

زننده باد اول ماه مه سرخ! درد بر طبقه کارگر قهرمان!

آتش قهر توده ها فروزان میشود؛ فریاد انتقام خلق طنین می افکند؛ و صدای گام های مصمم فرزندان انقلابی طبقه کارگر بگوش می آید. امسال، اول ماه مه در چنین اوضاعی از راه میرسد. مقدمش گرمی باد!

دیر زمانی است که طبقه جهانی ما اول ماه مه را بعنوان روزی که مظهر نبرد در راه رهایی بشر از چنگال جامعه طبقاتی است، برگزیده است. هر سال در این روز، طبقه کارگر پرچمی را به اهتزاز درمی آورد که بیش از یک قرن است در پهنه جهان از دستان پر توان نسلی به نسل دیگر سپرده میشود. اول ماه مه روزی است که توده های ستمدیده دوباره با صدای رسا اعلام میکنند: ما تن به ستم و استثمار نخواهیم داد و بر ویرانه های جهان سرمایه داری، جهانی نوین را بنا خواهیم کرد! اول ماه مه روزی است که پرولتاریای بین المللی اعلام میکند: ما یک طبقه واحد جهانی هستیم؛ مرزهایی که توسط ملیت، جنسیت و مذهب بین آحاد ما در کشورهای مختلف ترسیم شده با منافع طبقاتی ما سازگار نیست و آن را میتوان و باید زدود. اول ماه مه، روز تجدید عهد طبقه ما برای پیمودن راه انقلاب پرولتاری تا به آخر است. اول ماه مه، جشن کارگران است. این جشن جهانی مبارک باد!

در ایران دور نوین مبارزات توده ای آغاز شده است. جامعه آخرین نشانه های رخوت ناشی از شکست انقلاب ۵۷ را از تن تکانده و خود را به امواج تلاطمات انقلابی می سپارد. اعتلای مبارزات توده ای از تظاهرات قهرآمیز مشهد آغاز و با شورشهای قهرمانانه و خونین تبریز و قزوین و... شهرک کارگری «اسلام شهر» ادامه یافته است. توده های تهیدست با شرکت در این مبارزات اراده خویش را جهت در هم شکستن دشمن بنمایش میگذارند و برای اینکار آمادگی بیشتری کسب میکنند. زنان و مردان زحمتکش بی هراس از قربانی و سختی هر روز از گوشه ای سربلند میکنند؛ مزدوران مسلح رژیم را به ستوه می آورند؛ هر جا بتوانند از آنها انتقام میگیرند؛ تشنگهایشان را مصادره میکنند؛ خودرها و مراکز دولتی را آتش میزنند؛ نقشه جنگ و گریز میریزند و به اشکالی از سازماندهی رزمی دست پیدا میکنند.

خیزش توده ها صحنه سیاسی کشور را دستخوش تغییر کرده و بیش از هر عامل دیگر بر تحولات جامعه تاثیر میگذارد. این خیزش زمانی رو به اوج نهاده که بحران سهمگین اقتصادی و سیاسی جامعه را در خود فرو برده است. بحران چون پتک بر نظم کهن ضربه میزند و طبقات ارتجاعی حاکم و دستگاه دولتی آنها را متفرق و تضعیف و از هم گسیخته میکند. اما ایران فقط یکی از حلقه های زنجیر پوسیده جهان امپریالیستی است. این جهان خود مدتهاست که گرفتار بحران و بی نظمی گشته است. امروز امپریالیستها و در راس آنها آمریکا، درون دژهای خود نیز طعم تلخ بحران و بی ثباتی را می چشند. هر روز شمار فزونی از اقشار فقیر کارگر و زحمتکش به صف مقاومت و مبارزه با نظام امپریالیستی وارد میشوند. صفوف انقلاب در سراسر جهان گسترده تر و کوره زوم انقلابی داغتر میشود.

قدرتهای امپریالیستی روز و شب تبلیغ میکنند که انقلاب امری ناممکن است و خواب و خیال؛ اما خودشان خوب میدانند که بر اثر تضعیف و از هم گسیختگی نظام آنها و تشدید ستم و استثمار توده ها، شرایط عینی برای برپایی انقلاب ستمدیدگان بیش از پیش فراهم گشته است. قیام مسلحانه دهقانان چیاپاس در مکزیک، و آتش خشم و قهر توده ها از کوه های کردستان و کوچه های فلسطین گرفته تا قلب لس آنجلس این حقیقت را به امپریالیستها گوشزد میکند.

این در حالی است که پرچم پیروزمند طبقه جهانی ما در آن سوی جهان، بر فراز پرو به اهتزاز درآمده است. انقلاب پرو، چراغ راهنمای توده هائی است که در چار گوشه دنیا موج وار پا به میدان نبرد میگذارند و با چشمان باز به دنبال فلسفه و راه و ابزار رهایی میگردند. جنگ خلق مائوئیستی که تحت رهبری حزب کمونیست پرو با گامهای استوار به پیش راه می گشاید، مهمترین و عمیقترین مبارزه انقلابی در جهان امروزیست.

تحت این شرایط، صاحبان قدرت بیش از گذشته شمشیرهایشان را رو می بندند و بر دامنه حیلہ گری و دروغپردازی خود می افزایند. تصویر آینده در چشم آنها تیره و تار است؛ حرفها و کارهایشان حاکی از درماندگی و هراس است؛ و هر روز منفردتر میشوند. پس جای تعجب نیست اگر حال و روز سگان زنجیری آنها در ایران چنین زار باشد.

جمهوری اسلامی نه فقط از لحاظ اقتصادی در تنگناست، که از لحاظ سیاسی و مسلکی شکست خورده، بی اعتبار شده و مشروعیتش را از دست داده است. حنای ولایت فقیه و توجیهاتی که آخوندها و اعوان و انصارشان برای جنایات و چپاولگری خود می تراشیدند دیگر رنگی ندارد. جامعه امروز ایران مدرسه ای است که ستمدیدگان در آن لامذهب بودن را می آموزند. مظاهر اسلامی، مایه تنفر یا تمسخر بسیاری از مردم است. کفتارهای حاکم که خود میدانند چه بر سر مردم آورده اند، از ترس انتقام خلق چون بید می لرزند؛ فوت و فن هائی که در مکتب خرافه و روحانیت آموخته اند، دردی از دردهای لاعلاج شان درمان نمیکند. در مقابل، صف مخالفان رژیم هر چه گسترده تر میشود. بخش اعظم آنها را تهیدستان روستا و شهر و آن بخش از اقشار میانه حال تشکیل میدهند که با شلاق بحران به صف تحتانی های جامعه رانده شده است. طبقه کارگر در نبرد خویش برای رهایی از زنجیر ستم و استثمار، میلیونها ستمدیده را در کنار خود دارد.

کارگران ایران، زن و مرد، در هیچ دوره از حیات جهانی جمهوری اسلامی دست از مقاومت و اعتراض نکشیده اند. محل کار و زندگی، همواره عرصه مقاومت و مبارزه آنها در برابر هجوم مفتخوران استثمارگر و دولت به سطح میشت شان بوده است. کارگران

مبارز بار گرانی و فقر، تحقیر و تبعیض و اخراج را تحمل نکرده و بهر طریق ناراضیتی خویش از وضع موجود را اعلام کرده اند. آنها به دفاع از کارگران جسور و فداکاری برخاسته اند که در صف اول اعتراض و مقاومت می ایستند و تعقیب و آزار و حبس و شکنجه را بجان می خورند. زنان و مردان کارگر بعنوان نیروئی استوار و جان بر کف در شورشهای خونین اخیر که حکم مدرسه جنگ را دارد، شرکت جسته اند.

طبقه کارگر میتواند و باید از فرصتهای بدست آمده برای برپا کردن يك جنگ واقعی علیه نظام و دولت ارتجاعی استفاده کند. این فرصتها حاصل به میدان آمدن هر چه گسترده تر توده ها، و تضعیف و پراکندگی صفوف دشمنان خلق است. پرولتاریای آگاه با روشن بینی تدارك برپائی جنگ خود از مناطق روستائی را می بیند که نقطه ضعف دشمن است؛ و راه محاصره شهرها از طریق دهات را در پیش میگیرد. طبقه ما یاران نزدیک خود را در روستاها و در بین دهقانان فقیر، در زاغه های حاشیه شهر که خیل عظیم زحمتکشانشان را در خود جای داده، جستجو میکنند. اینها کسانی هستند که فردا در سنگر جنگ خلق همدوش طبقه کارگر خواهند ایستاد و قوای دشمن را گلوله باران خواهند کرد. اینها کسانی هستند که در مسیر طولانی جنگ انقلابی در میانه راه نخواهند ایستاد و در صفوف حزب کمونیست انقلابی و ارتش خلق برای ایجاد جامعه دمکراتیک نوین خواهند جنگید. اینها کسانی هستند که پس از استقرار دولت انقلابی کارگران و دهقانان، همراه طبقه ما خشت بر خشت خواهند نهاد و بنای جامعه سوسیالیستی را بالا خواهند برد، و برای رهائی نوع بشر، انقلاب را تا برقراری کمونیسم در سطح جهانی ادامه خواهند داد.

جامعه ایران بسرعت بسوی يك تعیین تکلیف سیاسی پیش میروند. برای آنکه بر شتاب و خشم توفان مبارزات توده ها افزوده شود و هوائی تازه و زمینه ای مساعد برای پیشرویهای نوین بوجود آید، باید طبقه کارگر مهر خود را بر تحولات جامعه بکوبد. سرنوشت انقلاب در گرو نقشی است که او بازی خواهد کرد. انجام يك انقلاب ریشه ای و پیروزمند فقط از دست طبقه ما ساخته است؛ که بدین طریق میتواند و باید دین خود را به انقلاب جهانی و آرمان رهائی بشر از هرگونه ستم و استثمار ادا کند.

تلاشهای آگاهانه طبقه کارگر در ایران و پیشرویها و پیروزیهایش میتواند انقلاب جهانی را گام ها به پیش رانده و کار همه کارگران و زحمتکشانش و ملل ستمدیده جهان را در نبرد مشترک علیه نظام امپریالیستی تسهیل نماید. طبقه ما باید به جایگاه خویش و نبرد انقلابی و چنین نگاه کند و با کسب قدرت سیاسی که بمعنای ادای سهم در انقلاب جهانی پرولتری است، پرچم انترناسیونالیسم پرولتری را هر چه رفیعتر به اهتزاز درآورد. پرولتاریای بین المللی، یاران آگاه ما در سایر گردانهای انقلاب پرولتری، احزاب و سازمانهای مائوئیست متشکل در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، نیز به رزم خود و همسرنوشتان خود چنین می نگرند.

امروز شرایط عینی برای انجام پیشرویهای انقلابی در عرصه ایران برای طبقه ما مساعدتر گشته است. عامل مساعد دیگری که در این راه نقش کلیدی بازی میکند وجود يك پشاهنگ مارکسیست - لنینیست - مائوئیست است که مسئولیت رهبری انقلاب را بعهده دارد. این پشاهنگ کوله بار تجارب گرانبهای طبقه بین المللی ما و پرولتاریا و خلق در عرصه ایران را بر نوش دارد و خود نشرد؛ این تجارب است؛ خط سیاسی صحیح و برنامه تغییر انقلابی جامعه را صاحب است؛ راه انقلاب را می شناسد؛ و صف دوستان و دشمنان انقلاب و خلق را بدرستی از هم تمیز میدهد. اول ماه مه امسال را با امید و اطمینان به انجام پیشرویهای بزرگ در دوره اعتلای مبارزات توده ای که آغاز گشته، جشن می گیریم.

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!

مرگ بر امپریالیستها و سگان زنجیریشان!

پیش بسوی تاسیس حزب کمونیست انقلابی ایران!

در اهتزاز باد پرچم ظفرنمون جنگ خلق!

زنده باد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی!

پیروز باد جنگ خلق در پرو!

از جان صدر گونزالو دفاع کنید! برای خاتمه حبس انفرادی او نبرد کنید!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) - اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۴)